خطر بزرگِ فقر مستمندان و هرزگی مرفهان

بهره‌ای از کلام امام خمینی

اشاره

افزایش روزانه قیمت کالاها و خدمات در کشور که بخشی از آن ناشی از حالت "نه جنگ و نه صلح" و یا به عبارتی "هم جنگ و هم صلح" است و بخشی دیگر به ناتوانی در مدیریت وضعیت اقتصادی کشور بر می‌گردد، به استمرار وضعیت سخت معیشتی و اقتصادی ملت بخصوص اقشار فقیر، مستمند و محروم جامعه، کمک کرده است. امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه که مردم را صاحبان اصلی انقلاب و کشور می‌دانستند و معیشت ملت جایگاه مهمی در اندیشه آن بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران داشت، جمله معروفی دارد که می‌فرماید: "خدا نیاورد آن روزی را که در سیاست مسئولین ما، ثروتمندان از اعتبار بیشتری برخوردار باشند." یادآوری این جمله امام خمینی از آن جهت ضرورت دارد که مسئولان کشور در کنارتلاشی که برای برطرف کردن مشکلات کشور دارند،معیشت و اداره زندگی مردم بخصوص محرومان جامعه را نیز فراموش نکنند و بلکه آن را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. متأسفانه اخباری که از ورود برخی سرمایه‌داران فاسد به اقتصاد کشور شنیده می‌شود، دولت و حاکمیت کشور را در معرض اتهام و بی‌تفاوتی نسبت به این توصیه امام خمینی قرار می‌دهد. بدیهی است هیچکس با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف کشور مخالفتی ندارد، اما اینکه به برخی سرمایه‌داران مشهور به مفاسد بزرگ اقتصادی اجازه داده شود با نفوذی که کسب کرده‌اند از ثروت نامشروع و باد آورده شان برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور استفاده کنند، این شائبه را ایجاد می‌کند که معدود فاسدان از اعتبار بیشتری در سیاست مسئولین برخوردار هستند و این تحقق همان هشداری است که امام خمینی از خدا می‌خواستند آن روز فرا نرسد. آنچه در ادامه مطالعه می‌فرمائید گزیده‌ای از رهنمودهای امام خمینی در این باره است.

***

این مستمندها، فقیرها، عیال خدا هستند، اداره باید اینها بشوند. فقرا را خدای تبارک و تعالی امر کرده است که اداره‌شان باید بکنیم. یک دسته غنی بنشینند کنار، و اینها بیچاره‌ها به فقر بگذرانند. من پیشتر به این کارخانه دارها و این متمکنین، که گاهی می‌آمدند اینجا - و بعضیشان هم می‌خواستند من را اغفال بکنند! - به آنها گفتم آقا این نمی‌شود که همان مسائل زمان طاغوت حالا هم اجرا بشود. یک دسته آن بالاها بنشینند مُرفّه و هرچه بخواهند هرزگی بکنند، یک دسته هم این زاغه‌نشینهای تهرانی، که همه‌تان می‌بینید و در شهرهای خودتان هم هست امثالش. این نمی‌شود. این عملی نیست. من اخطار کردم، این یک خطری برای مردم هست.

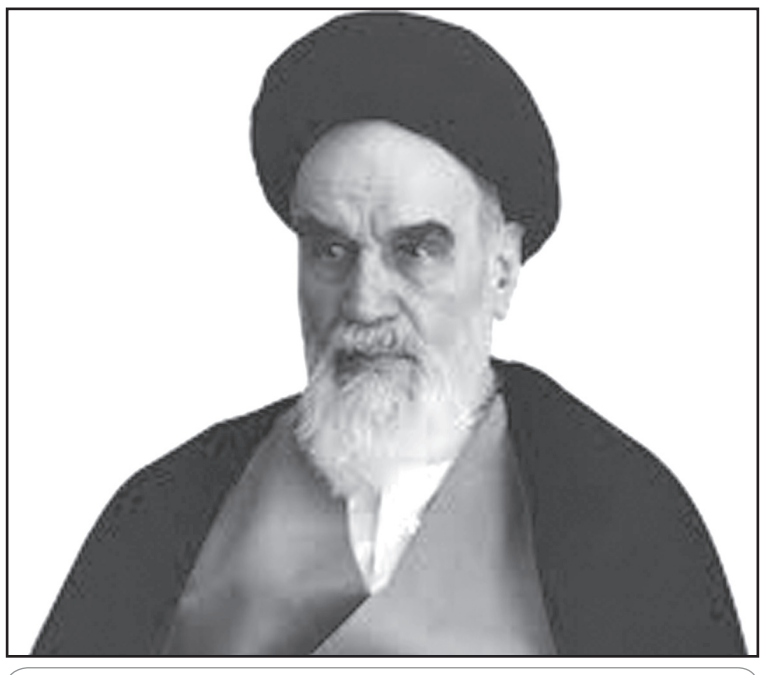
اگر خدای نخواسته جمهوری اسلامی نتواند جبران کند این مسائل اقتصادی را، که اول مرتبه زندگی مردم است، و مردم مایوس بشوند از جمهوری اسلامی و مایوس بشوند از اینکه اسلام هم برای آنها بتواند در اینجا کاری انجام بدهد، اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ‌کس، نه روحانیت و نه اسلام، نمی‌تواند جلویش را بگیرد. انفجار اگر در زمان طاغوت حاصل می‌شد، ماها می‌توانستیم با نصیحت، با موعظه، با امر، مهارش کنیم. اما انفجار اگر در متن اسلام حاصل بشود، مردم با یاس از جمهوری اسلامی منفجر بشوند، دیگر قابل مهار نیست. این ثروتمندها بفهمند این مطلب را که اگر خدای نخواسته یک وقت یک انفجاری که نشود مهارش کرد در یک ملتی پیدا بشود، همه این بزرگها و همه این ثروتمندها و اینهاتر و خشک با هم خواهند سوخت.

فکر بکنند، بنشینند برای این ملت فکر بکنند، هِی ننشینند آن کنار و خودشان هر طوری بخواهند عمل بکنند و هر طوری بخواهند زندگی بکنند، و تماشا کنند این زاغه نشینها و تماشا کنند این مردمی که نمی‌شود اسمش را [زندگی] گذاشت. این زندگی است که اینها می‌کنند؟... چرا باید اینطور باشد؟ باید همه دست به هم بدهند، ملت، دولت، ثروتمندها، کارخانه دارها، همه اینها، دست به هم بدهند و این مشکله را حَلّش بکنند. اگر این مشکله حل نشود و خدای نخواسته یک انفجاری در متن اسلام، در متن جمهوری اسلام پیدا بشود، این دیگر قابل مهار نیست، هیچ کس نمی‌تواند جلویش را بگیرد. قبل از اینکه یک همچو مسائلی پیش بیاید [باید جلویش را گرفت] خصوصاً که خوب، دشمن‌های اسلام و دشمن‌های مسلمین و دشمن‌های کشور اسلامی هم از خارج و داخل مشغول شده‌اند توطئه کردن.

(صحیفه امام، ج۱۰، صص۳۳۴ و ۳۳۵)

***اگر خدای نخواسته جمهوری اسلامی نتواند جبران کند این مسائل اقتصادی را که اول مرتبه زندگی مردم است، و اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ‌کس، نه روحانیت و نه اسلام، نمی‌تواند جلویش را بگیرد**

این انقلاب مهم اسلامی، رهین کوششهای این طبقه است؛ طبقه محروم، طبقه گودنشین، طبقه‌ای که این نهضت را به ثمر رساند و توقعی هم نداشت. من شما طبقه گودنشینان را از آن کاخ‌نشینان بالاتر می‌دانم؛ اگر آنها لایق این باشند که با شما مقایسه بشوند. من وقتی که در انقلاب می‌دیدم که یک پیرمردی از آن گودنشینها از آن منزل محقر خرابه بیرون می‌آمد و می‌گفت که ما با بچه‌هایمان صبح که می‌شود می‌رویم برای تظاهرات،[مباهات می‌کردم]. یک موی شما بر همه آن کاخ‌نشینها و آنهایی که در این انقلاب هیچ فعالیتی نداشتند، بلکه کارشکنی هم تا آن اندازه که می‌توانستند می‌کردند و الآن هم هر مقدار که بتوانند می‌کنند، یک موی شما بر همه آنها ترجیح دارد؛ بلکه مقایسه یک موی شما با آنها نباید صحیح باشد. شما این انقلاب را به ثمر رساندید و گروههایی که در سرتاسر این کشور این انقلاب را به ثمر رساندند، همان زن و مرد محروم [بودند] و همانهایی که مستضعف هستند و کاخ‌نشینها آنها را استضعاف می‌کنند و اینها ثابت کردند که کاخ‌نشینها هستند که ضعیفند و پوسیده‌اند و برای این ملت هیچ کاری نکرده‌اند و نخواهند کرد. این دانشگاه بود، جوانهای دانشگاه که آنها هم از محرومین و مستضعفین‌اند و این طبقه محروم جامعه می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه،



***خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند**

بود که از همه رفاهها محروم بود، لکن قلبش مملو از عشق به اسلام و ایمان بود و با آن عشق و با آن ایمان این حرکت را دنبال کرد و شهید داد و در مقابلش چیزی مطالبه نکرد. آنهایی که هیچ حظی در این میدان نداشتند و جز خرابکاری از آنها کاری ساخته نیست و الآن هم در گوشه و کنار کشور مشغول به خرابکاری هستند، آنها بودند که کنار نشسته بودند و منتظر این بودند که یک طرف غلبه کند و آنها بیایند و بهره‌برداری کنند، میوه چینی کنند...الآن هم که در جبهه‌ها جنگ است، باز این طبقه محرومند که در تلویزیون نشان می‌دهد مشغول خدمت هستند. آن کاخ‌نشینها یک شاهی خدمت در این جنگ نکردند و نخواهند کرد. آنها اگر مشغول افساد و فساد نباشند، بی‌تفاوت هستند. **(صحیفه امام، ج۱۴، صص۲۶۱ و ۲۶۲)**

مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آنها که تصور بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام‌تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایرانِ انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هرکس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و "التقاطی" می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام همّ و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.

(صحیفه امام، ج۲۱، صص۸۶ و ۸۷)

نرویم سراغ اینکه حالا که من شدم رئیس‌جمهور باید چه بشود و چه بشود و من هم باید مقامم چه باشد، خیر، این از ضعف نفس انسان است، از تنگی چشم و قلب انسان است که‌خیال می‌کند این یک چیزی است. این یک چیز اعتباری است که امروز دادند فردا هم تمام است، می‌گیرندش می‌رود سراغ کارش. شما برای این ملتی که در این چند سال آن قدر در طول تاریخ زحمت دیده، در مرئی‌و منظر ما این همه جدیت کرده و جوان داده و مال داده و جان داده است تا اینکه آن رژیم را کنار گذاشته است و شما را روی کار آورده است، شما برای این ملت باید کار بکنید... شما باید برای این پا برهنه‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و اینها را حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه داشتند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند، شما باید توجهتان به این توده‌های مستضعفی که با زحمت خودشان و رنج خودشان الآن در جبهه‌ها مشغول فداکاری هستند که خداوند تأییدشان کند و در پشت جبهه هم مشغول فداکاری هستند و مستضعف‌اند، آن بالاها اینها را ضعیف می‌شمارند و می‌شمردند و اینها به حساب نمی‌آمدند و در رژیم سابق برای اینها کاری نشده بود، برای اینها کار کنید. قانع نشوید به اینکه بعضی جاها کار شده است، می‌دانم شده است، خیلی هم شده است، اما نباید قانع شد، باید همه دست به دست هم بدهید که ان‌شاءالله، برای اینها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود. اینها حق دارند به ما و به شما، خیلی حق دارند. اینها حق دارند به شما، باقی هم‌حق دارند به شما و همین‌طور وقتی دولتی پیش می‌آید، آن هم دولتی است که مردم به آن حق دارند. اگر نبودند این مردم، شما هم شاید حالا در حبس بودید و آن زجرها را می‌کشیدید و دیگران هم که متعهد بودند، آنها هم در حبس بودند یا در جاهای دیگر.

***ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند و مال و ثروت خود را بهانه فخرفروشی و مباهات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند**

این ملت حق دارد، دست شما را گرفته آورده این بالا نشانده، شما باید خدمت کنید به این مردم؛ شما، ما، همه باید خدمتگزار اینها باشیم. و شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق خدا بکنیم. اینها بندگان خدا هستند، خدای تبارک و تعالی، علاقه دارد به این بندگان و ما مسئولیم، باید خدمت بکنیم. **(صحیفه امام، ج۱۵، صص۷۴ تا۷۶)**

این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت یک لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پرخوری و اسراف وتعیشها جانشان به لب آید... چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد، ولی ارائه طرحها و اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری‌ای از این جهت بر فقرا ندارند و ابداً اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلّم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می‌کند. و تذکر این مطلب که ثروتمندان هرگز به خاطر تمکن مالی خود نباید در حکومت و حکمرانان و اداره کنندگان کشور اسلامی نفوذ کنند ومال و ثروت خود را به بهانه فخرفروشی و مباهات قرار بدهند و به فقرا و مستمندان و زحمتکشان، افکار و خواسته‌های خود را تحمیل کنند، این خود بزرگترین عامل تعاون و دخالت دادن مردم در امور و گرایش آنان به اخلاق کریمه و ارزشهای متعالی و فرار از تملق گوییها می‌گردد و حتی بعض ثروتمندان را از اینکه تصور کنند که مال و امکاناتشان دلیل اعتبار آنان در پیشگاه خداست متنبه می‌کند. خلاصه کلام اینکه بیان این واقعیت که در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزونتر از آنِ کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه‌ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنه‌ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملاً به شیهات و القائات خاتمه می‌دهد، که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش درحال پیاده شدن است. و همچنین مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند و همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ما است که روزی فقر و تهیدستی از جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان ازاعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم‌السلام - سازگار نیست، دامن حرمت و پاک روحانیت از آن منزه است، تا ابد هم باید منزه باشد و این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است. از آنجا که محرومیت‌زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، جهانخواران در این مورد هم ما را آرام نگذاشته‌اند و برای ناتوان ساختن دولت و دست‌اندرکاران کشور ما حلقه‌های محاصره را تنگتر کرده‌اند و بغض و کینه و ترس و وحشت خود را در این حرکت مردمی و تاریخی تا مرز هزاران توطئه سیاسی - اقتصادی ظاهر ساخته‌اند و بدون شک جهانخواران به همان میزان که از شهادت‌طلبی و سایر ارزشهای ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد اسلام به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند.

(صحیفه امام، ج۲۰، صص۳۴۰ و ۳۴۱)

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علیرضا قدیری برابر نامه شماره ۱۴۰۵/۲۲۸۰۶۸- ۱۴۰۵/۶/۱۰ اصالتاً به نمایندگی از اداره اوقاف و امور خیریه استان تهران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۹۰۹۱ و شناسه یکتا ۱۴۰۴۲۱۵۶۵۶۰۰۰۰۴۴۳ و رمز تصدیق ۳۰۵۵۷۰ دفترخانه ۷۱۲ تهران طی درخواست وارده ۱۵۴۷۹ مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۱ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۴ - خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت ۶دانگ یکباب خانه بشماره ۲۶۸۶ (ثلث مرحوم سلیمانخان صنیع خلوت) واقع در بخش ۵ قنات‌آباد ذیل ثبت ۱۵۷۶ صفحه ۲۲۳ دفتر ۱۴ بنام آقای میرزاعبداله‌خان محتشمی بعنوان تصدی بر ثلث با نظارت خانم عامری صادر و تسلیم و از طرف اداره اوقاف شمال و غرب تهران بعنوان تصدی به آقای حسین عربی اجاره داده شده است که از طریق ماده ۱۴۷ق‌ث ۶دانگ اعیانی به مساحت ۷۰/۲۷ مترمربع که عرصه آن وقف است بنامش سند مالکیت اعیانی صادر گردید. پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی‌باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی ثبت محل: خیابان شیخ‌هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب‌بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی

م الف ۱۵۶۲۶

فاطمه دهقان‌زاده – سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علیرضا قدیری برابر نامه شماره ۱۴۰۵/۲۲۸۰۷۰- ۱۴۰۵/۶/۱۰ اصالتاً به نمایندگی از اداره اوقاف و امور خیریه استان تهران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۹۰۹۵ و شناسه یکتا ۱۴۰۴۲۱۵۶۵۶۰۰۰۰۴۴۷ و رمز تصدیق ۴۸۱۲۳۶ دفترخانه ۷۱۲ تهران طی درخواست وارده ۱۵۴۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۱ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۴ - خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت ۶دانگ یکدستگاه عمارت مشتمل بر بیرونی و اندرونی و باغچه به استثناء ۳۴۶/۱۸ مترمربع پلاک ۲۲۸۷ اصلی بخش ۵ تهران ذیل ثبت ۴۵۸۵ صفحه ۴۱ دفتر ۴۲ بنام حاج‌سیدمحمد سیدالعراقین ثبت و صادر شده ضمناً طبق رأی شماره ۸- ۴۱/۱/۱۶ صادره حوزه ۴ اداره تحقیق اوقاف در اثر فوت حاج‌سیدمحمد سیدالعراقین مدعی تولیت و وصایت بر ثلث مرحومه حاج‌سیدجواد بانو مهدیه بانو مهدیه علوی دختر مرحوم حاج‌سیدمحمد سیدالعراقین قائم‌مقام قانونی مدعی تولیت مزبور شده است و سند اجاره ۶۲۳۴۶- ۵۰/۴/۱۰ دفتر ۱۲ تهران موجود است.

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی‌باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی ثبت محل: خیابان شیخ‌هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب‌بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی

م الف ۱۵۶۲۵

فاطمه دهقان‌زاده – سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علیرضا قدیری برابر نامه شماره ۱۴۰۵/۲۲۸۰۹۱- ۱۴۰۵/۶/۱۰ اصالتاً به نمایندگی از اداره اوقاف و امور خیریه استان تهران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۹۱۰۳ و شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۶۵۶۰۰۰۰۴۵۵ و رمز تصدیق ۳۵۷۸۹۳ دفترخانه ۷۱۲ تهران طی درخواست وارده ۱۵۲۸۲ مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۱ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

خلاصه وضعیت مالکیت: ششدانگ یک باب خانه موقوف پلاک ۳۸۹۱ اصلی واقع در بخش ۵ تهران ذیل ثبت ۲۳۱۹ صفحه ۲۹۳ دفتر ۲۱ بنام آقای استاد محمدتقی باقی خلف مرحوم حاج‌عبدالباقی بعنوان تصدی بر وقف ثبت و صادر گردیده است و برابر اجاره شماره ۲۲-۴۱/۶/۴ دفتر ۲۷۳ تهران به مدت ۳ سال از تاریخ سند اجاره به آقای غلامعلی رحیمی بازرجانی به اجاره واگذار شده است. پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی‌باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی ثبت محل: خیابان شیخ‌هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب‌بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی

م الف ۱۵۶۲۸

فاطمه دهقان‌زاده – سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای علیرضا قدیری برابر نامه شماره ۱۴۰۵/۲۲۸۱۱۰- ۱۴۰۵/۶/۱۰ اصالتاً به نمایندگی از اداره اوقاف و امور خیریه استان تهران با اعلام مفقودی سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۹۱۱۵ و شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۶۵۶۰۰۰۰۴۶۷ و رمز تصدیق ۱۷۲۵۱۵ دفترخانه ۷۱۲ تهران طی درخواست وارده ۱۵۴۷۲ مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۱ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد:

۴ - خلاصه وضعیت مالکیت: ششدانگ یکباب خانه پلاک ثبتی شماره ۴۸۶۵ اصلی ذیل ثبت ۶۶۴۷ صفحه ۳۲۰ دفتر ۵۸ بنام ابراهیم قائمی تهران صادر شده سپس برابر سند قطعی ۱۰۱۳۵۱- ۶۷/۳/۹ دفتر ۱۷ تهران به آقایان سیدعلی میرباقری و قاسم مفتخر شیرازیها و محمد محدی منتقل و به موجب وقف نامه ۱۴۰۲۸۹- ۶۸/۴/۴ دفتر ۱۲۹ تهران سیدعلی میرباقری و قاسم مفتخر شیرازیها و محمد محدی ملحقات وقف عام موبد به منظور الحاق به مسجد حاج‌باقر فخار عمل گردد و تولیت آن در زمان حیاط با خود واقفین است و بعد از ایشان با هیات امنا و حق تفسیر موضوع وقف را خلاف شرع اسلام نخواهند داشت.

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی‌باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی ثبت محل: خیابان شیخ‌هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب‌بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی

خانه وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی فرعی از ۴۸۶۵ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور، در طبقه و واقع در بخش ۰۵ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک مولوی تهران استان تهران به مساحت ۰ مترمربع

متن ملک، توضیحات ملک

به حدود: شمالا: شرقا: جنوبا: غربا:

مشخصات منضمات ملک:

مشخصات مالکیت:

مالکیت صادق/ مقبلان فرزند محمدجعفر شماره شناسنامه ۱۷ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه‌دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه و اعیان مالکیت محمد/ محمدی فرزند شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دودانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۱۳۵۱ تاریخ ۱۳۶۷/۰۳/۰۹ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۸۵۸۷۲ سری سال که در صفحه ۳۲۰ دفتر املاک جلد ۵۸ ذیل شماره ۶۶۴۷ ثبت گردیده است.

مالکیت سیدعلی/ میرباقری فرزند شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دودانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۱۳۵۱ تاریخ ۱۳۶۷/۰۳/۰۹ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۸۵۸۷۲ سری سال که در صفحه ۳۲۰ دفتر املاک جلد ۵۸ ذیل شماره ۶۶۴۷ ثبت گردیده است.

مالکیت غلامحسین/ ارین فرزند محمدتقی شماره شناسنامه ۲۵۶۷۰ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دودانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۴۲ تاریخ ۱۳۲۲/۰۱/۲۷ ثبت گردیده است.

مالکیت قاسم/ (ناخوانا) شیرازیها فرزند شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دودانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۱۳۵۱ تاریخ ۱۳۶۷/۰۳/۰۹ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۳۸۵۸۷۲ سری سال که در صفحه ۳۲۰ دفتر املاک جلد ۵۸ ذیل شماره ۶۶۴۷ ثبت گردیده است.

مالکیت/ وراث محمد فرزند شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دودانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه و اعیان - ثمنیه با شماره مستند مالکیت ۳۱۷ تاریخ ۱۳۳۰/۰۸/۱۴ ثبت گردیده است.

حقوق ارتفاقی ملک: ندارد

محدودیت‌ها: ندارد

م الف ۱۵۶۲۷

فاطمه دهقان‌زاده – سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران